

نقش دولت‌های استعماری در بازتعریف معماری مسکونی ایران^۱

* مسعود کوچکیان

E-mail: Masood1790@gmail.com

** سیمون آیوازیان

E-mail: ayvasimon@yahoo.com

*** ویدا نوروزبرازجانی

E-mail: vid.norouz_borazjani@iactb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۴

چکیده

مدرنیزاسیون طی یکصد سال گذشته، معماری مسکونی ایران را به فضایی مبهم کشانده که دولت‌های استعماری در آن نقش اساسی داشته‌اند. این مقاله بر آن است تا ابعاد این فرایند استعماری را در فضای معماری مسکونی بررسی کند. پرسش اصلی این است که چرا دولت‌های غربی در راستای اهداف استعماری خود، تغییر ساختار معماری مسکونی ایران و الزامات مربوط به خانه‌داری را هدف قرار داده‌اند. فرضیه این نوشتار با بررسی تاریخی - تحلیلی اقدامات غرب و نیروهای محافظه‌کار داخلی آن است که برخورد چند بُعدی ایرانیان نسبت به ماهیت معماری مسکونی، نقش اساسی در باز تعریف ایده‌های مصرف‌گرایی، جنسیتی، طبقاتی و هویت ملی ایران داشته است. ترویج این عناصر هدف اصلی نیروهای استعماری بوده است. این پژوهش به شیوه‌ی کیفی مدون شده و در واکاوی پرسش مطرح در آن، گردآوری داده‌ها به طریق کتابخانه‌ای انجام پذیرفته و از روش تحلیلی بهره جسته است.

کلید واژه‌ها: استعمار، معماری مسکونی، مصرف‌گرایی، هویت ملی.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «دگرگونی معماری مسکونی ایران با محوریت مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی (۱۳۲۰-۱۳۷۶)» از دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی در حال انجام است.

** دانشجوی دوره دکتری رشته معماری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. نویسنده‌ی مسؤول

** استاد تمام دانشگاه تهران، رشته معماری، عضو هیأت علمی پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، رشته

معماری و عضو هیأت علمی مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

*** استادیار و عضو هیأت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

تهران مرکزی



مقدمه و طرح مسأله استعمار و مراکز شرق‌شناسی

کاربرد سیاسی اصطلاح استعمار به طور خاص متوجه شیوه‌های رفتار کشورهای از نظر سیاسی توانمند نظیر کشورهای اروپایی با سرزمین‌های مستعمراتی است (گولد و کولب، ۱۳۹۲: ۵۷). گرچه استعمار پیشینه‌ی کهن دارد، اما تاریخ مفهوم جدید آن از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود. تاریخ استعمار را از دوره‌ی باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: ۱- استعمار دوره اول: عصر باستان. ۲- استعمار دوره دوم: دوران جهانی. ۳- استعمار دوره سوم: استعمارگری قرن‌های نوزدهم و بیستم. ۴- استعمار نو (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۲). در جهت نظم و نسق دادن و منطبق‌بخشیدن به این حاکمیت استعماری، مراکز متعدد شرق‌شناسی در غرب تأسیس شد. یکی از رشته‌های مرتبط با شرق‌شناسی، «ایران‌شناسی» است که نزدیک به چند سده است که موضوع تاریخ و تمدن و فرهنگ ایرانی را مطالعه می‌کند (آشوری، ۱۳۷۷: ۶۹).

برای نخستین بار در سال ۱۷۶۹ میلادی واژه شرق‌شناسی در فرهنگ انگلیسی آکسفورد به کار رفت و در سال ۱۸۳۸ همین واژه در فرهنگ علمی فرانسه درج شد. از آن پس شرق‌شناسی شیوه‌ی علمی اشغال سرزمین‌های مشرق شد و شرق‌شناسان به کسوت کارمندان دایره اطلاعات وزارتخانه‌های خارجه و مستعمرات کشورهای غربی درآمدند و مستشاران دولت‌های خویش در جهت حفظ منافع سیاسی - نظامی‌شان در سرزمین‌های مشرق زمین شدند؛ حتی برخی از آنان زیر پوشش تظاهر به اسلام یا پژوهش، به گردآوری اطلاعات مورد نیاز کشور خود پرداختند (زیباکلام، ۱۳۹۵: ۱۹۶). بی‌شک، در وهله نخست، جست‌وجوی حقیقت و آگاه شدن و آگاهی دادن، رسالت شرق‌شناسی نبود، بلکه اهداف سیاسی، تجاری با مطالعات آنها پیوند خورده بود و در این راستا مأمورانی را تربیت می‌کردند (عنایت، ۱۳۵۱: ۵). دگرگونی ساختار فکری، اجتماعی جامعه‌ی ایران هدف اصلی شرق‌شناسان اروپایی بود. آنان مأموریت داشتند تلویحاً این ایده را در ذهن ایرانیان تقویت کنند که چنانچه خواستار پیشرفت هستند لازم است ظاهراً و باطناً غربی شوند. هم‌چنین به منظور اثرگذاری بیشتر، مراکز شرق‌شناسی، ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی مطالعات و تغییرات همه‌جانبه‌ای در خصوص تغییر هویت ملل اسلامی و به‌طور خاص ایران، به عمل آوردند. زمانی که گروه‌های مختلف مسیحی پروتستان و کاتولیک به ایران آمدند و در شهرهای مرزی و مهم و حساس، پایگاه‌های تبلیغی تشکیل و خدمات آموزشی، بهداشتی و مذهبی ارائه

دادند، خواه‌ناخواه به صورت بازوهای مذهبی دولت‌های استعمارگر اروپایی برای خدشه وارد کردن به اعتقادات دینی مردم درآمدند (کجباف و دهقان‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۱۵). در این میان معماری مسکونی ایران پیش از ورود میسیونرها خصیصه‌ها و ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشت که نه تنها به خوبی پاسخگوی نیازهای ایرانیان بود، بلکه با هویت اسلامی مردم ایران نیز همخوانی شایسته‌ای داشت. اما پس از ورود میسیونرها پیوستگی و معنای هزار ساله معماری مسکونی ایرانی از هم گسست. در این خصوص نمی‌توان تأثیر نیروهای استعماری را نادیده گرفت. پرسش اصلی آن است که چرا دولت‌های غربی در راستای اهداف استعماری خود، تغییر ساختار معماری مسکونی ایران و الزامات مربوط به خانه‌داری را هدف قرار دادند. در این پژوهش نقش نیروهای استعماری و عملکردشان از این منظر بررسی می‌شود و فرضیه آن است که نیروهای استعماری تغییر ساختار معماری مسکونی ایران را در پیش گرفتند تا بتوانند با بازتعریف ایده‌های مصرف‌گرایی، جنسیتی و طبقاتی در معماری مسکونی به اهداف کلان اقتصادی و سیاسی بلندمدت خود برسند.

سؤال تحقیق

چرا دولت‌های غربی در راستای اهداف استعماری خود، تغییر ساختار معماری مسکونی ایران و الزامات مربوط به خانه‌داری را هدف قرار دادند؟

روش پژوهش

پارادایم این پژوهش برساختی - تفسیری بوده و با نگاهی کل‌نگر به موضوع پژوهش پرداخته است. روش‌شناسی تحقیق از نوع کیفی بوده و روش تحقیق تفسیری - تاریخی را در پیش گرفته و در آن گردآوری داده‌ها به طریق کتابخانه‌ای انجام شده و از روش تحلیلی بهره جسته است.

پیشینه‌ی تحقیق

خانم مینا معرفت، در رساله دکتری خود با عنوان «ساخت و ساز یک قدرت: معماری تهران ۱۳۰۰-۱۳۲۰» مطالعه‌ی جامعی در خصوص تأثیرات دولت‌های غربی بر روی مدرنیزاسیون طبقات اجتماعی متوسط و بالای جامعه و خانه‌های پایتخت در دوره رضاشاه پهلوی انجام داده است (معرفت، ۱۹۸۸). درون ایران نیز برخی تاریخ‌شناسان



جوان‌تر در حوزه معماری، مانند مصطفی کیانی و نگار حکیم، خانه‌های مدرن را در این دوران بررسی کرده‌اند، ولی متأسفانه نگاه تازه‌تری را ایجاد نمی‌کنند. به استثنای محققان پیشگفته، محمدکریم پیرنیا در کتاب «آشنایی با معماری اسلامی ایران: گونه‌شناسی درون‌گرا»، غلامحسین معاریان در کتاب «آشنایی با معماری مسکونی ایران» و زهره بزرگ‌نیا در کتاب «معماری مسکونی شهری در استان مرکزی» به طرز گسترده‌ای بر روی جنبه‌های فیزیکی و تکنیکی خانه‌های سنتی حیات مرکزی ایران تمرکز کرده‌اند. در این آثار، اغلب خانه‌ها به صورت تیپولوژیک دسته‌بندی شده‌اند و تأثیرات سیاسی و اجتماعی وقایع روز نادیده گرفته شده است. هم‌چنین گستره‌ی تغییراتی که توسط آمریکایی‌ها و متحدانش در معماری مسکونی صورت گرفت در این مطالعات، از قلم افتاده است. از این‌رو بخش مهمی از معماری مسکونی در دوران پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷) شایسته تحقیق و بررسی است، که شامل معماری مسکونی شهرهای صنعتی ایران می‌شود. مطالعات معماری نشان می‌دهد که چگونه برخی از جنبه‌های مدرنیسم و معماری مسکونی وابسته به آن، از شهرهای صنعتی ایران به دیگر شهرهای کشور سرایت داشته است. براساس این مطالعات شهر آبادان و تعداد کمی از محلات مسکونی صنعتی آن دوره به همراه ویژگی‌های معماری آنها، فرهنگ جدیدی را برای زندگی روزمره در ایران تولید کردند.

مباحث نظری یا مفهومی

استعمار نو، مفهومی است که برای تسلط اقتصادی و سیاسی بر کشورها و بهره‌گرفتن از آنها به کار گرفته می‌شود و به نوعی معادل با امپریالیسم است. یکی از ابزار قدرتمند این نوع استعمار، میسیونرهای مذهبی آن است. این میسیونرها با اهداف استعماری بیشتر در جهان اسلام و ایران فعالیت داشته‌اند. این روش «نواستعماری» سبب می‌شود که بهره‌برداری از کشورهای ضعیف بسیار سودآور باشد (آشوری، ۱۳۸۷: ۲۸).

در این راستا به نظر می‌رسد، آمریکایی‌ها و اروپایی‌های مقیم ایران نیز بر این اعتقاد بودند که باید شیوه‌ی سنتی زیستن ایرانیان را با شیوه‌ی منطقی غربی جایگزین کرد تا بتوانند اهداف استعماری خود را تحقق بخشند. احداث عمارت‌های میسیونری در ایران نمونه‌ای از این اقدام برای تعریف سکونت‌گاه‌های جدید بود. در راستای بررسی این فرضیه، ابعاد فیزیکی و غیرفیزیکی معماری مسکونی در دوران معاصر مطالعه می‌شود. مدل نظری این تحقیق نیز، براساس روش این پژوهش که به صورت تفسیری - تاریخی

است، تدوین شده است. در نهایت با تحلیل‌های به عمل آمده از اقدامات دولت‌های استعماری مشخص خواهد شد که این دولت‌ها بیشتر کدام یک از ابعاد ماهوی معماری مسکونی ایران را هدف قرار داده‌اند.

ابعاد ماهوی معماری مسکونی

تاریخ‌شناسان حوزه‌ی معماری، نحوه‌ی مالکیت، مصرف و نقش جنسیت در ارتباط با خانه‌ها را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند که چگونه، مسائلی چون جنسیت، طبقه اجتماعی و فرهنگ مصرف با پارامترهای فضایی در معماری مسکونی عجین است و برعکس چگونه برخی ویژگی‌های معماری و مرزهای فضایی چنان شیوه خاصی از زندگی را ملزم می‌کند که نمی‌توان به غیر از آن به نحوه‌ی دیگری فکر کرد. به نظر می‌رسد در مطالعاتی که بر روی موضوعات جنسیت و استعمار تمرکز کرده‌اند، موضوع خانه، هم به‌عنوان یک موجودیت فیزیکی و هم به‌عنوان یک تمثیل، یک امر ضروری در شناسایی ساختارهای قوی اجتماعی است. در دوران استعماری نوین مسأله جنسیت و معماری خانه چنان درهم‌تنیده شده است که جای شکی در خصوص ارتباط مهم میان فضای معماری و هویت اجتماعی باقی نمی‌گذارد (هوکس، ۱۹۹۰: ۵۲).

در کشورهای غیرغربی مردم مجبور بودند که نه فقط خود را با مدرنیته همگام کنند، بلکه باید با یک بُعد دیگر از بیگانگی نیز مواجه شوند؛ عادات و رفتارهای جدید غربی و کالاهای وارداتی که باید یا استفاده می‌شدند یا با فرهنگ بومی همگام می‌شدند. جوردن سند در کتاب «عمارت و خانه در ژاپن مدرن» معتقد است سکونت و طبقه اجتماعی در ژاپن مدرن، (داستان مدرنیزاسیون خانه در کشور های غیرغربی) وسیله‌ای است برای فهمیدن این‌که چطور «ایده سکونت مدرن از ابتدا به‌عنوان یک امر بیگانه تلقی می‌شد... و خود را در مقابل بسیاری از ویژگی‌های سکونت‌های ملی قرار داد» (سند، ۲۰۰۳: ۶).

پولارد اعتقاد دارد که عرصه خانواده در واقع در مرکز رویدادی است که از طریق آن دولت ملی ارتباطی محکم با مردمانش برقرار می‌کند. او نشان می‌دهد که چگونه مفاهیمی چون ملیت و شهروندی در تاروپود کتاب‌های درسی و مطبوعات عجین شده و به تصویر کشیده می‌شوند (پولارد، ۲۰۰۵: ۱۶۸). از این‌رو، یک سکونت‌گاه تمیز می‌توانست نشانی از قدرت ملی و سیاست‌های سازماندهی شده باشد. رلی شچر در کتاب خود با عنوان «گذر از مصرف محلی و زندگی خانوادگی در دوران مدرن



خاورمیانه: خانه‌های در حال حرکت» تصویری از زندگی خانگی در کتاب‌ها، ژورنال‌ها و مجلات نشان می‌دهد که جنبه‌های متداولی از زندگی خصوصی مردمان مصر، فلسطین و ترکیه را بیان می‌کند. نشان می‌دهد که چگونه مردمانی که زمانی تحت سلطه امپراتوری عثمانی‌ها بودند در مواجهه با مدرنیسم مجبور به تغییر فضای زندگی خود و محیط پیرامون آن شدند (شجر، ۲۰۰۳: ۱۵۴).

استعمار نو و معماری مسکونی ایران

در دوران پهلوی پیشبرد اهداف استعماری از طریق تغییر معماری مسکونی برای دولت‌هایی که در صنعت نفت ایران مشغول به فعالیت بودند به شدت حائز اهمیت بود. شاهد آن وجود شهرک‌های مسکونی در شهرهای نفت‌خیز جنوب ایران است. اختیار این شهرها در دست دولت‌های غربی بود که نفت را استخراج و پالایشگاه‌ها را احداث می‌کردند و صادرات نفت را به بازارهای جهانی برعهده داشتند. تنها وظیفه ایرانیان تأمین کارگران ارزان‌قیمت و غیرماهر بود (ابولقد، ۱۹۸۴: ۱۰۹). اما در دیگر نقاط ایران تلاش‌هایی برای برقراری ارتباط بین فرهنگ غرب و شرق صورت می‌گرفت. با همه این اوصاف، آبادان و دیگر شهرهایی که در حاشیه صنعت نفت ایران به وجود آمدند تأثیر شگرفی بر تبلور کالبدی طبقات اجتماعی ایران گذاشتند. از این‌رو ایده‌های به‌کار رفته در شهر آبادان توسط دولت استعماری انگلیس تبدیل به الگویی برای دیگر شهرهای ایران شد. این امر نشان دهنده‌ی آن است که انگلیسی‌ها در فرایند استعماری خود به دنبال ایجاد یک رابطه تعاملی قوی با فرهنگ ایران بودند.

اگرچه تمایز طبقاتی در ایران سابقه طولانی داشته و یک محصول ساده و جانبی صنعت نفت ایران نیست، ولی ایده‌های جدید طبقاتی که از طریق سکونت‌گاه‌های صنعت (به‌خصوص صنعت نفت) به وجود آمد و به شدت نظام طبقاتی گذشته را تشدید کرد. برای اولین بار، شهرهایی به وجود آمدند که ساکنان آنها براساس درجه تحصیلات و وضعیت درآمدی و حقوق قانونی‌شان تقسیم می‌شدند، نه براساس سلسله مراتب سنی و روابط ایلی و وابستگی‌های خونی. چنین رویکردی در معماری مسکونی ایران در دیگر بخش‌های کشور حتی در آنجا‌هایی که صنعت به‌خصوصی نداشتند، توسط معماران تازه‌کار و جویای نام به‌کار گرفته شد.

نسل اول معماران معاصر ایران (وارطان هوانسیان، گابریل گورکیان، محسن فروغی، پل آبکار و...) همگی تحصیلات معماری خود را در غرب گذرانده و به شدت تحت

تأثیر معماری غربی بودند. رضاشاه نیز که به دنبال نمودهای زندگی مدرن بود، فرصت را برای اشاعه‌ی سبک‌های غربی در معماری ایران بین سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۲۰ فراهم کرد. هم‌چنین این معماران، نسل دومی از معماران (۱۳۲۰-۱۳۵۷) را در ایران تربیت کردند که مجدداً به شدت تحت تأثیر سبک‌های معماری غرب بودند. به این ترتیب می‌توان معماری ایران را بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ را تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غرب دانست. اهمیت این موضوع در این واقعیت نهفته است که قابلیت‌های فلسفی، علمی، اقتصادی و نظامی غرب، تأثیری قطعی بر شیوه‌ی روزمره زندگی و تفکر ایرانیان و معماری وابسته به آن گذاشته است (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۵۲۸).

عمارت‌های میسیونری: جدایی‌گزینی طبقاتی استعماری

در رساله‌ی دکتری خانم کریمی با عنوان «دگرگونی معماری مسکونی ایران در قرن بیستم» تصویر شماره یک، مهمانی شکرگزاری در یک خانه میسیونری در سال ۱۲۹۹ شمسی را نشان می‌دهد. در این عکس شریفه خانم در حال غذا خوردن با میسیونرهاست. (شخص وسطی در سمت راست عکس) ژست شریفه خانم نشان می‌دهد که چقدر خوب با آداب معاشرت میسیونرها تطبیق پیدا کرده است (کریمی، ۲۰۰۹).



تصویر یک: معماری داخلی یک خانه میسیونر امریکایی در مشهد. (منبع: کریمی، ۲۰۰۹: ۷۷)

خیلی‌ها به آنچه که میسیونرها ارائه می‌کردند علاقه داشتند؛ کمک میسیونرها به بهداشت، توسط طبقه فقیر جامعه بسیار ستایش می‌شد. از طرف دیگر طبقه‌ی بالای

جامعه و طبقه‌ی متوسط نوظهور، به شیوه زندگی خوش آب و رنگ و به‌علاوه دانشی که میسیونرها در مؤسسات خود ارائه می‌کردند، جذب شده بودند. آن دست از ایرانیانی که در رابطه تنگاتنگی با خانواده‌های میسیونری بودند، به‌طور کلی از شیوه لباس پوشیدن تا اسلوب زندگی با میسیونرها هماهنگ شده بودند، به‌خصوص آنانی که به‌عنوان همکار با آنها کار می‌کردند (به‌طور مثال پرستاران و پزشکان). در عکس شماره دو به خوبی این هماهنگی با سبک زندگی میسیونرها مشخص شده است. شریفه خانم و میرزا عبدالله (احتمالاً مستخدمین میسیونرها) به شیوه اروپاییان لباس پوشیده‌اند و شریفه خانم بر روی صندلی مشغول به مطالعه است. در آن زمان نه تنها زنان از همراهی مردان منع می‌شدند، بلکه نشستن بر روی صندلی در خانه‌ها کاملاً غیرمعمول بود. از طرفی در هر دو عکس مرد مشغول بچه‌داری است، که در آن زمان کاری زنانه بوده است. این دو عکس بیانگر شروع دگرگونی شرایط زندگی و خانه ایرانیان و هم‌چنین نشان از هماهنگ شدن آنها با سبک زندگی میسیونرها دارد (کریمی، ۲۰۰۹: ۷۶).



تصویر دو: تصویر یک خانواده ایرانی (منبع: کریمی، ۲۰۰۹: ۷۹)

تصاویر دیگری از خانه‌های میسیونری در مشهد، حاکی از اشتراکاتی بین آنها و دیگر عمارت‌های متعلق به طبقه اشراف و مرفه جامعه‌ی آن روز ایران دارد. نحوه چیدمان فضای این خانه‌های مدرن نوع متفاوتی از کنش‌های خانوادگی و محرمیت را در مقابل درونگرایی خانه‌های ایرانی نشان می‌داد. پنجره‌های متعدد و بالکن‌هایی که اجازه عبور نور و هوا را به همراه دیدی گسترده به سوی باغ می‌داد. اما برخلاف خانه‌های ایرانی خانه‌های میسیونری عاری از تزئینات گسترده بود (برای مثال: آذین‌های

دیواری، کاشیکاری، چوبکاری، مینا کاری، معرق کاری و...). این خانه‌ها، ساده و بسیار عمل‌گرا بودند و فضاهایی داشتند که برای خانه‌های ایرانی آن زمان ناآشنا بود، مانند اتاق مطالعه، اتاق پیانو و در برخی موارد حتی زمین بسکتبال (گریگور، ۲۰۰۵: ۱۷۱).

رواج فرهنگ مصرف‌گرایی

ایده‌های غربی، سبک زندگی و معماری مسکونی را در طبقه بالای جامعه ایران تغییر داده بودند. بعد از جنگ جهانی دوم، دسترسی راحت‌تر به کالاهای وارداتی، تأثیر به‌سزایی بر خانه‌های ایرانیان داشت. شرکت‌های امریکایی دست به تولید کولر، اجاق گاز، ماشین ظرفشویی و لوازم خانگی پر زرق و برق برای آشپزخانه‌های ایرانی زدند. در اواخر دهه ۱۳۳۰ شرکت‌های امریکایی با تولید دستگاه‌های تهویه، سهم زیادی را در خنک کردن خانه‌های ایرانی بازی کردند. چند سال بعد شرکت ارج شروع به تولید دستگاه‌های تهویه مطبوع شرکت‌های امریکایی کرد. شرکت ارج اولین مشارکت امریکایی - ایرانی بود که کارخانه خود را در جاده کرج برپا کرد و شروع به تولید لوازم خانگی و الکتریکی کرد. و از لحاظ قیمت این‌بار محصولات این کارخانه توانست جایگاه خود را در طبقه متوسط جامعه‌ی ایرانی نیز باز کند.

در تهران زنان خانه‌دار مشغول یادگیری مهارت‌های خانگی در مدارس شدند که با توجه به برنامه‌های رییس جمهور وقت امریکا (برنامه اصل چهارم ترومن) بنیانگذاری شده بود (بشیر گنبدی، ۱۳۸۲: ۶۲۹). متن سخنرانی ترومن، اولاً نشان‌دهنده‌ی ماهیت اصل چهارم است و ثانیاً رابطه‌ی بین عواملی نظیر «قدرت خرید» و «استعمار» را آشکار می‌سازد. تهاجمی فرهنگی که از مسیر اقتصاد آزاد و رقابتی و با شعار «بهبودی اجتماعی - اقتصادی»، تغییرات اجتماعی را بدون هیچ‌گونه ارتباطی با زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و آموزه‌های دینی، پی‌ریزی نهادی و سازمانی می‌کند. از این‌رو دولت‌های استعماری به منظور بالابردن سود اقتصادی بیشتر، برنامه‌های تغییر فرهنگی را در درون ایران دنبال می‌کردند تا صادرات خود را توجیه اقتصادی کنند.

یکی از این اقدامات فرهنگی، تأسیس مؤسسه انتشاراتی فرانکلین در تهران بود که وظیفه داشت در کشور کودتا زده ایران، فرهنگ و سبک زندگی امریکایی و غربی را از طریق کتاب و نشر آن، بسط دهد (روزنامه کیهان، ۱۳۹۵: ۶). از دیگر اقدامات مؤسسه فرانکلین در ایران تأسیس کانون پرورش فکری کودکان بود که تعداد زیادی کتاب، مجله و نشریه با محتوای آموزش فرهنگ غربی، برای کودکان منتشر کرد (فیلستروپ، ۱۳۵۷: ۳۲).



در اقدامی دیگر، دانشگاه شیراز براساس اصل چهارم ترومن در سال ۱۳۳۰ با نظام آموزشی امریکایی به ریاست دکتر ذبیح‌اله قربان، عضو لژ فراماسونری حافظ، تأسیس شد. «روش و سیاست لژهای فراماسونری در کشورهای جهان سوم از جمله ایران مبتنی بر شکار نخبگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی بود. آنها تلاش می‌کردند که با استحاله‌ی فرهنگ مذهبی که به‌عنوان فرهنگ جهانی و بین‌المللی معرفی می‌شد گام به گام کشور را وابسته کنند و در قالب نظام آموزشی و مواد درسی نسلی را تربیت کنند که از هویت خود دور شود.» (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۱۲۳). تدوین بسیاری از دروس، طراحی و توسعه پردیس‌های دانشگاه، تربیت استادان، و بنیانگذاری بسیاری از مؤسسات تحقیقاتی دانشگاه پهلوی همه و همه در اختیار دانشگاه‌های امریکایی قرار گرفتند. از نمونه‌های بارز دیگر «دانشگاه صنعتی آریامهر در تهران» (دانشگاه صنعتی شریف فعلی) و «دانشگاه صنعتی آریامهر اصفهان» (دانشگاه صنعتی اصفهان فعلی) بودند که مستقیماً براساس الگوی دانشگاه ام.آی.تی در امریکا الگوبرداری شدند. دانشگاه فردوسی مشهد نیز از نظر علمی و آکادمیک زیر نظر دانشگاه جرجتاون قرار داشت. هم‌چنین دانشگاه بوعلی سینا در همدان نیز به کمک فرانسویان، و دانشگاه گیلان زیر نظر مقامات آلمانی تأسیس شدند. در جمع، دست‌کم ۵۹ دانشگاه امریکایی در توسعه و تأسیس آموزش عالی در ایران نقش و فعالیت داشتند (فرشته، ۱۹۹۴: ۸).

بسیاری از رجال سیاسی ایران به‌ویژه در دوران پهلوی از جمله مهم‌ترین پذیرندگان و ناشران عناصر فرهنگی غرب در ایرن به‌شمار می‌روند که بعدها خود موجب اعزام محصلین به خارج و تأسیس مدرسه‌ی غربی در ایران شدند، اما آموزش دیدگان غربی خصوصاً آنان که به جای فراگیری علوم تمدنی غرب، علوم فرهنگی غرب را آموختند در دوره‌های بعد منصب‌های سیاسی را اشغال کردند و به‌طور مضاعف در نفوذ فرهنگ غرب در ایران مؤثر واقع شدند (صدیق اورعی، ۱۳۸۰: ۲۶۵).

حضور شرکت‌های نفتی انگلستان	اقدامات اقتصادی	سیاست‌های استعماری دولت‌های غربی در ایران قبل از انقلاب اسلامی
حضور شرکت‌های لوازم خانگی امریکا و انگلستان		
تأسیس کارخانه‌های مونتاز		
ترویج مصرف‌گرایی نوین		
دسترسی راحت‌تر به کالاهای وارداتی		
اعزام میسوینرهای امریکایی	اقدامات فرهنگی	
تأسیس مؤسسه انتشاراتی فرانکلین		
ایجاد تشکیلات فراماسونری		
اجرای برنامه چهارم ترومن		
تأسیس دانشگاه‌ها با فرهنگ و برنامه امریکایی		
ترویج سبک زندگی اروپایی - امریکایی		

جدول خلاصه اقدامات استعماری دولت‌های غربی قبل از انقلاب اسلامی. (منبع: نگارندگان)

مسکن و خانه در تاریخ‌شناسی ایران مدرن

در مطالعات تاریخ ایران مدرن، مطالعه‌ی مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و توسعه مسکن شهری بسیار حائز اهمیت است. امریکایی‌ها با تخریب کشاورزی ایران سعی داشتند که هرچه بیشتر ایران را محتاج محصولات خود کنند. کشاورزی را به اسم «اصلاحات ارضی» به کلی از بین ببرند و برای امریکایی‌ها بازار درست کنند (آیت الله خمینی (ره)، ۱۳۸۷: ۲۰۵) با این کار مهاجرت روستاییان به شهرها شدت گرفت و در همین هیاهوی شهری بود که مسائل جنسیتی در فضای عمومی و خصوصی به شدت دستخوش تغییرات شد. افسانه نجم آبادی، در کتاب «زنان سیبیل‌دار و مردان بدون ریش: جنسیت و نگرانی‌های جنسیتی در مدرنیته ایرانی» می‌نویسد: اگرچه در گذشته تمامیت زندگی اجتماعی به شیوه‌ای یکسان در این جهت بود که زیبایی را هم در مردان و هم در زنان ایران نشان دهد، ولی در دوران معاصر، مسأله زیبایی در ایران جنبه صرفاً زنانه به خود گرفت. حال که مسأله زیبایی و سبک و سیاق زندگی، جنسیتی شد، پس چگونه می‌توان انتظار داشت که معماری مسکونی و عادات مصرف‌گرایانه اعضای خانواده در خانه دوباره مورد ارزیابی قرار نگیرد (نجم‌آبادی، ۲۰۰۵: ۲۰۷).

میسوینرهای امریکایی و انگلیسی، ایده‌های غربی را در مورد اثاثیه خانگی به زنان



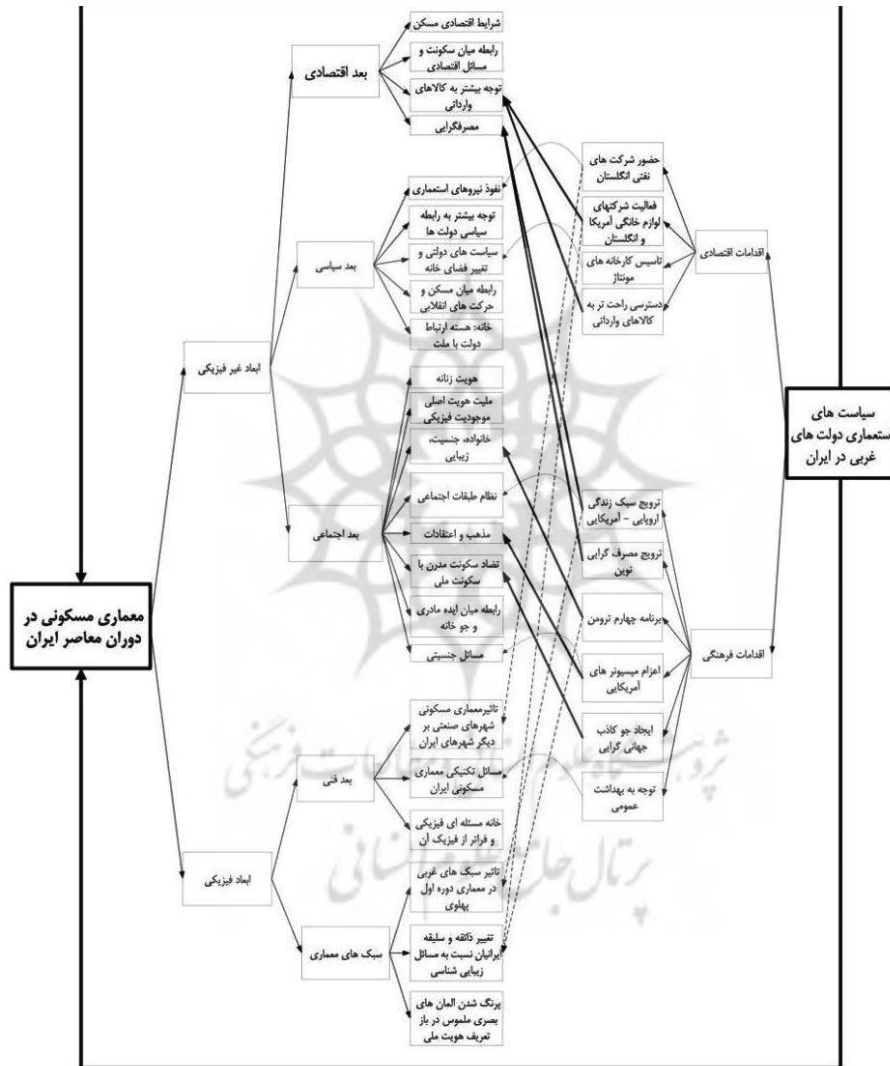
ایرانی معرفی می‌کردند و به موازات آن، قشر تحصیل کرده ایران نیز به مسائل جنسیتی دامن زدند و در آثار خود به شدت بر روی نقش جنسیتی زن تکیه کردند. شجاع‌الدین شفا، دکتر هنرمند، محمد حجازی از جمله کسانی بودند که در آثار خود برخلاف سنت موجود جامعه بر جنبه‌های جنسیتی حضور زنان در فضای عمومی و خصوصی دامن زدند. در این میان شجاع‌الدین شفا به ترجمه آثار زشت و غیراخلاقی نظیر «ترانه‌های بیلیتیس» و نگارش شرح حال مردان و زنان بی بندوبار در عرصه ادب و هنر اروپا پرداخت (زرشناس، ۱۳۸۷: ۱۴۷). پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ امریکایی‌ها و با پشتیبانی انگلیسی‌ها، امریکایی‌ها برنامه‌های وسیعی را در ایران به اجرا در آوردند که پررنگ‌ترین بخش آن برنامه‌های فرهنگی بود. گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی، نفوذ وسیع و گسترش ظواهر فرهنگ و تجدد غربی و سلطه بیگانگان بر منابع اقتصادی کشور از آن جمله است (شعرباف، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

کالاهایی مانند لوازم آرایشی به‌طور فزاینده‌ای در اوایل دوره پهلوی به خانه ایرانی وارد می‌شدند. البته، این کالاها زندگی روزانه‌ی خانم‌ها را بیشتر از آقایان تحت تأثیر قرار داد. کالاهای وارداتی غربی در زندگی روزانه دیده می‌شدند و در عادت‌های خانه‌داری ایرانیان استفاده می‌شدند. وسایل خانگی همیشه حاضر، مانند ماشین لباس‌شویی، ظرف‌شویی، یخچال و صندلی‌ها وقتی که به خانه کسی وارد می‌شدند می‌توانستند معنی جدیدی به خود بگیرند. این اثاثیه، نقش مهمی در شیوه‌های مدرن شدن، حس‌های جدید ملی‌گرایی و نقش‌آفرینی‌های جدید جنسیتی در معماری مسکونی ایران بازی کردند.

یافته‌های تحقیق

معماری مسکونی و به عبارت عام‌تر آن «خانه»، فراتر از یک محصول فیزیکی و یک کالبد ساختمانی صرف است. در اینجا بحث بر سر مسائل زیبایی‌شناسی نیست، بلکه بیشتر به ابعاد ماهوی زیستن در آن توجه می‌شود. محققان تاریخ‌شناس معماری به ما کمک کردند تا درک کنیم خانه محصولی فراتر از بُعد کالبدی آن است و فضای معماری آن با مسائلی چون جنسیت، طبقه اجتماعی، فرهنگ مصرف، مسائل سیاسی و مذهبی گره خورده است. از این جهت، اثر استعماری دولت‌های غربی بر روی معماری مسکونی ایران در زندگی روزمره آنان توسط چند عامل مهم صورت گرفت: ۱- میسیونرهای امریکایی و انگلیسی. ۲- رواج فرهنگ مصرف‌گرایی. ۳- برنامه‌های غربی برای تعلیم و تربیت ایرانیان به‌ویژه زنان خانه‌دار.

میسوینرها با احداث مدارس و بیمارستان، مفاهیم جدید زندگی روزمره را با عناوینی چون مسائل و اصول زندگی اجتماعی و بهداشت عمومی تبلیغ می‌کردند و اهداف استعماری خود را با تغییر در ماهیت معماری مسکونی ایران پیش می‌بردند. نمودار زیر ارتباط فعالیت‌های استعماری با ابعاد ماهوی معماری مسکونی ایران را نشان می‌دهد.



نمودار تأثیرگذاری فعالیت‌های استعماری غرب بر کلیت و ابعاد ماهوی معماری مسکونی معاصر ایران (منبع: نگارنده)

نتیجه‌گیری

مردم ایران در مواجهه با مدرنیته و اهداف استعماری که در پشت آن پنهان شده بود با یک بُعد بیشتر از بیگانگی مواجه بودند. فرهنگ غربی و کالاهای وارداتی یا باید بدون هیچ تغییری پذیرفته می‌شدند و یا با فرهنگ بومی هماهنگ می‌شدند. از این‌رو نیروهای استعماری تنها راه دستیابی به اهداف اقتصادی خود را در تغییر بسترهای مصرفی آن می‌دیدند و آن شیوه‌ی سکونت، معماری آن و اسباب و اثاثیه مربوط به آن بود. کالبد هر خانه، ساختمانی استوار است ولی آن را نباید یک سازه مجرد دید. ماهیتی است که با زمینه‌های سیاسی و نیروهای اجتماعی بستر خود عجین شده است. برخورد چند بُعدی ایرانیان نسبت به ماهیت معماری مسکونی، نقشی اساسی در باز تعریف ایده‌های مصرف‌گرایی، جنسیتی، طبقاتی، اعتقادی و هویت ملی ایران را داشته است. از این‌رو نیروهای استعماری با باز تعریف این ایده‌ها در جهت اهداف کلان اقتصادی و سیاسی بلندمدت خود، تغییرات ساختاری گسترده‌ای را در معماری مسکونی ایران به وجود آوردند.

متأسفانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی آن‌گونه که باید بازگشت به هویت معماری اسلامی - ایرانی صورت نگرفت. و معماران این دوره نتوانستند زبانی مشترکی برای بازنمایی اقتدار میهن اسلامی خلق کنند. آنچه که پس از گذشت قریب به چهل سال شاهد آن هستیم، صرفاً برخوردی سطحی با آرایه‌های معماری اسلامی در برخی ساختمان‌هاست. به گونه‌ای که مجتمع‌های مسکونی، ساختمان‌های دانشگاهی، امکان دولتی و غیره بازنمایی از هویت اصیل اسلامی - ایرانی نداشته و به تبع آن شهر نیز نتوانسته هویت اسلامی - ایرانی خود را نشان دهد. بزرگترین نگرانی کنونی آن است که معماری پس از پیروزی انقلاب اسلامی میراثی برای آیندگان (همچون سده‌های چهارم و پنجم هجری) به جای نگذاشته و معماری کنونی ما صرفاً به دنبال حفظ آرایه‌های معماری گذشته است و نهایتاً مفهوم جدیدی را که شایسته هویت ارزشمند انقلاب اسلامی باشد عرضه نکرده است.

منابع

- آیت‌الله خمینی، روح‌اله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷)؛ *آیین انقلاب اسلامی* (ج ۱): *گزیده‌های از اندیشه و آرای امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- آشوری، داریوش (۱۳۷۷)؛ *ما و مدرنیست*، تهران: صراط.
- ----- (۱۳۸۷)؛ *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
- بانی‌مسعود، امیر (۱۳۹۴)؛ *معماری معاصر ایران، در تکاپوی سنت و مدرنیته*، تهران: نشر هنر معماری قرن.
- بشیرگنبدی، تیمور (۱۳۸۲)؛ *اسنادی از اصل چهار ترومن در ایران (۱۳۲۵-۱۳۴۶ هـ. ش)*، تهران: مرکز اسناد ریاست جمهوری؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- روزنامه کیهان، «مؤسسه‌ی فرانکلین یک پروژه‌ی امریکایی» دوشنبه ۲۳ اسفند ۱۳۹۵، تهران: ۶.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۷)؛ *نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران، ج ۲، نسل دوم روشنفکری مشروطه و روشنفکری دوران پهلوی*، تهران: دفتر نشر معارف.
- زیباکلام، صادق (۱۳۹۵)؛ *ما چگونه، ما شدیم: ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران*، تهران: روزنه.
- شهرباف، محمدجواد (۱۳۸۵)؛ *انقلاب اسلامی ایران*، تهران: دانشکده مجازی علوم حدیث.
- صدیق‌اورعی، غلامرضا (۱۳۸۰)؛ «نفوذ فرهنگ غرب در ایران»، *نامه پژوهش*، دوره ۴، ش ۱۴، صص ۲۷۳-۲۵۷.
- طباطبایی، محمدحسن (۱۳۸۴)؛ *نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی (دانشگاه تهران، دانشگاه شیراز ...)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عنایت، حمید (۱۳۵۱)؛ «سیاست ایران‌شناسی»، *ماهنامه نگین*، دوره ۸، س ۸، شهریور ماه، صص ۸-۵.
- فیلستروپ، ج. م. (۱۳۵۷)؛ «مؤسسه انتشارات فرانکلین تهران»، *نامه انجمن کتابداران ایران*، ترجمه‌ی گیتی آرین، دوره ۴۱، بهار ۵۷، صص ۳۷-۶.
- کجباف، علی‌اکبر؛ دهقان‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۷)؛ «مسیونرهای فرانسوی در اصفهان عصر قاجار»، *مجله فرهنگ*، س ۲۱، ش ۶۷، پاییز ۸۷، صص ۲۴۸-۲۱۵.
- گولد، جولوس؛ کولب، ویلیام ل. (۱۳۹۲)؛ *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی باقر پرهام، تهران: مازیار.
- Abu-Lughod, J. (1984); *Culture, Modes of Production and the Changing Nature of Cities in the Arab World*, In J. A. Agnew, J. Mercer, & D. Sopher (Eds.), *The City in the Cultural Context*. Boston: Allen & Unwin.
- Fereshte, M. Hussein. (1984); *Problems and Issues in Higher Education: Perspectives on Iran-United States Educational Relations and Influences*, Eric.
- Grigor, Talinn. (2005); *Cultivat(ing) Modernities: the Society for National Heritage, Political Propaganda and Public Architecture in Twentieth-century Iran*, (Ph.D. diss., MIT).
- Hooks, b. (1990); *Yearning: Race, Gender, and Cultural Politics*, Boston: South End Press.
- Karimi, Z.Pamela, (2009); *Transition in Domestic Architecture and Home Culture in Twentieth Century Iran*, PhD thesis in Architecture at MIT, Sep.2009.
- Marefat, Mina. (1988); *Building to Power: Architecture of Tehran, 1921-1941*, (P.h.D. diss., MIT.)
- Najmabadi, A. (2005); *Women with Mustaches and Men without Beards: Gender and Sexual Anxieties of Iranian Modernity*, Berkeley: University of California at Berkeley.



- Pollard, L. (2005); *Nurturing the Nation: The Family Politics of Modernizing, Colonizing, and Liberating Egypt* (1905-1923). Berkeley, Los Angeles, and London: University of California Press.
- Sand, J. (2003); *House and home in Modern Japan: Architecture, Domestic Space, and Bourgeois Culture, 1880-1930*, Cambridge: Harvard University Press.
- Shechter, R. (Ed.). (2003); *Transitions in Domestic Consumption and Family Life in the Modern Middle East: Houses in Motion*, New York: Palgrave Macmillan.
- [Http://wikifeqh.ir/](http://wikifeqh.ir/) شرق شناسی
- [Http://arjco.com](http://arjco.com)

